

این کشتارگاه تدریجی ۲۵۰ زندانی عقیدتی- سیاسی



۱- نامق محمودی، پیرمرد مبارز کُرد، که بیش از ۱۵ ماه است علی رغم عدم ارتکاب هیچ جرمی، هم چنان بدون توجیه و تفهیم اتهام در بازداشت غیر قانونی به سر می برد، اوایل خرداد هنگام اعزام به بیمارستان، توسط ماموری به نام مهدی

مختاری فر به دستور مردانی، رئیس زندان، مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفت و در همان روزها نسبت به این مسئله شکایت نمود و در روزهای ۱۰ و ۱۱ خرداد از طرف حفاظت و حراست زندان مورد بازجویی برای پرونده سازی قرار گرفت. در حکومت امام زمان جای متهم و شاکی عوض شده است. نامق محمودی که هم از مردانی رئیس زندان به علت اتهام دروغ داشتن ۲۵ کیلو بمب و هم از مهدی مختاری فرد به علت ضرب و شتم خود و بستری شدن ۲ روزه پیامد آن در بهداری زندان شاکی بود؛ او رسماً شکایت کرده و شکایت مکتوب خود را به مسئولین داده است. اما آنان به جای رسیدگی، علیه وی پرونده سازی می کنند. هم چنین یکی دیگر از زندانیان سیاسی که پیش از دستگیری در بیمارستان میلاد تهران وقت پزشکی داشته است، با ممانعت اداره اطلاعات و مسئولین زندان رجایی شهر از انتقال او به بیمارستان جلوگیری شده و عملاً در معرض کوری اجباری قرار دارد.

۰- سومین مراسم سالگرد هدی صابر و عزت الله سبحانی در پانزده خرداد در بند ۱۲ سیاسی در ساعت ۹:۳۰ شب برگزار شد. اصلاح طلبان حکومتی که فعلاً مورد غضب پدر ولایی خود قرار دارند، ضمن تعریف خاطرات خود از جانب‌باختگان خودشان، آقایان صمیمی، باستانی و فیض زاده بیشتر از آن که به تحلیل ابعاد شخصیت و افکار جان باختگان بپردازند، به ارائه بحث خود پرداختند. شاهرخ زمانی که از دو روز

قبل قول ارائه مقاله ای در مورد شهدای کلّ تاریخ در آن مراسم را گرفته بود، تنها دو ساعت مانده به مراسم مطلع شد که زمان مراسم محدود بوده و او نمی تواند مقاله را بخواند. آنان به شاهرخ زمانی اجازه ندادند که مقاله اش را بخواند در حالی که مراسم نزدیک به دو ساعت طول کشید و آقایان فرصت کردند به بزرگ نمایی خود و نمایش کیش شخصیت پرستی خود بپردازند بدون آن که کوچکترین اشاره ای به ابعاد جنایات بنمایند.

برخلاف تعریف و تمجید این وردستان ولایت فقیه، شاهرخ زمانی در مقاله مذکور با توضیح ماهیت مبارزه و علل واقعی سرکوب و مقام شهدای تاریخ، مردم و مبارزین را دعوت به ادامه مبارزه برای آرمان های آن ها نموده بود.

این مقاله با سخن همیشه جاوید خسرو روزبه شروع می شد که "نمیرم و نمیرند کسانی که ره خلق بگیرند."

وی ضمن تحلیل این که تاریخ، تاریخ مبارزه طبقاتی بین ظالم و مظلوم بوده و به قول مارکس انقلاب لوکوموتیو حرکت و تکامل تاریخی می باشد، به نقش شهدا به عنوان سمبل و اسطوره مقاومت، آگاهی و تشکل و مبارزه مردم برای رهایی از ستم و استثمار تاکید نموده و به نمونه های تاریخی از اسپارتاکوس و مبارزین ضدّ برده داری، ژاندارک و زاپاتا و مبارزین ضدّ فئودالیسم، تا چه گوآرا، جو هیل، روزا لوکزامبورگ، و تمام شهدای مبارزه ضدّ سرمایه داری اشاراتی را آورده بود. وی هم چنین بر شهدای تاریخی ایران از مزدک و بابک خرمدین تا دوره پهلوی، ارانی، روزبه، جزنی، همایون کتیرایی تا دوره ولایت خونین فقیه، ده ها هزار شهید مبارز و سوسیالیست از جمله سعید سلطان پور، اسماعیل یگانه دوست، علیرضا شکوهی، خدیجه ارفع، علیرضا سپاسی آشتیانی، صارمی و فرزاد کمانگر و حجّت اشاره کرده و بر استقلال راه آن ها تاکید نموده بود. این مقاله توضیح داده است که بدون خنثا کردن و افشای ماهیت فریب و سازشکاری و دودلی مصلحین اجتماعی و اصلاح طلبان هیچ انقلابی به سرانجام نمی رسد و اگر بشریت ستمکش به گفته این وردستان استبداد و بهره کشی، تمکین کرده و از مبارزات رادیکال و انقلابی دوری می کردند، ما هنوز در نظام برده داری در جا می زدیم.

به دنبال این برخورد و عدم اجازه به خوانده شدن مقاله، توسط هم دستان ولایت فقیه و به اصطلاح اصلاح طلبان، عده ای از مبارزین از جمله خالد حردانی رزمنده مبارز خلق عرب و شاهرخ زمانی مراسم را تحریم کردند. اما متأسفانه علی رغم تحریم مراسم سالگرد شهادت علی صارمی و بزرگداشت روز کارگر، اول ماه مه، اصلاح طلبان کمکی و دوستان مجاهد در این مراسم شرکت کرده و محمد امیرخیزی ابتدا با خواندن قرآن مراسم را افتتاح کرد و در پایان مراسم و اختتام، احمد زیاد آبادی

مغز متفکر اصلاح طلب‌ها در نقد و توضیح این که چرا به آن‌ها می‌گویند ملی مذهبی، در مورد مذهب صحبت کرد، و ضمن چراغ سبز کامل به رژیم جنایتکار و دفاع از مذهب در اشکال گوناگون گفت که مذهب عامل وحدت اجتماعی و سلامت اخلاقی در خلأ جامعه مدرن می‌باشد که بر پیوند مشترک این کاسه لیسان با ولایت فقیه صحنه گذشت.

توضیحات ایشان در توجیه حکومت مذهبی و فاشیستی دینی در پایان با دعا و آرزوی قرین رحمت و محشور شدن جانباختگان با ائمه اطهار و شهدای اسلام و انبیا توسط ایشان پایان یافت. باید ذکر کرد که زیادآبادی در اواخر سال گذشته که در مرخصی به سر می‌برد چنین سخنان گوهر باری را در دوره مرخصی فرموده بود که مورد ستایش ستون ویژه کیهان یعنی از زبان کرباسچی شده بود (منظور مقاله ای است که گفته های غلامحسین کرباسچی را در روز نامه کیهان مورخ 1391/11/1 ستون ویژه با کد خبری 19089 چاپ کرده است و از مطالبه آزادی زندانیان سیاسی صرف نظر کردند تا بتوانند در کنار اصول گرایان امکان همکاری داشته باشند که زید آبادی نیز موارد کاملاً مشابه را بیان کرده است که نشان می‌دهد اصلاح طلبان به صورت متمرکز و سازمان یافته اقدام به سازش کرده و می‌کنند.)

3- قتل و ارباب و تهدید به مرگ و پرونده سازی علیه انقلابیون همچنان ادامه دارد. خالد حردانی تهدید به مرگ شد. زندان رجایی شهر به عنوان محل مرگ تدریجی و تبعیدگاه انقلابی ترین، مقاوم ترین و مبارزترین انسان‌ها از سراسر ایران دارای ۲۵۰ نفر زندانی عقیدتی، سیاسی با ۲۸ اعدامی از جمله دانیال و لقمان و شهرام احمدی و نزدیک به ۶۰ نفر با حکم حبس ابد و الباقی با حبس‌های طویل‌المدت از ۱۰ تا ۷۰ سال می‌باشد. این زندان نسبت به زندان‌های دیگر از کوچک ترین امکانات قانونی مصوب خود رژیم نیز محروم می‌باشد؛ از جمله هواخوری دو ساعت و نیمه به جای ۱۲ ساعت، فضای زندگی ۲ متری به جای ۱۵ متر، تغذیه با سوغای غیر قانونی، نبود کامل بهداشت و درمان به صورتی که در هر ماه ۱۸ نفر در این زندان می‌میرند. نبود کامل مرخصی، نبود کار در زندان و بیرون و ملاقات حضوری، نبود تلفن، و آزادی‌های موردی و مشروط عمومی، تهدید، توهین و شکنجه روحی و جسمی؛ که شامل قرار دادن زندانیان به شکل کاملاً عریان در مقابل ۲ دوربین به هنگام ورود به زندان از دادگاه یا بیمارستان، زدن غیر قانونی پای‌بند و پوشاندن لباس اجباری می‌باشد. در چنین محیطی می‌خواهند زندانیانی با حبس‌های طویل‌المدت را بکشند. خالد حردانی مبارز دلیر خلق عرب دارای حکم حبس ابد، به مدت ۱۴ سال است که تحت جهنمی‌ترین اوضاع ممکن در بدترین شرایط و تحت شکنجه‌های روحی و جسمی مثل کوه استوار مقاومت و پایداری می‌کند. اداره

جهنمی اطلاعات این ماشین آدم‌کشی ولایت قرون وسطایی فقها، این دشمن قسم خورده مردم پس از دادن حکم‌های سنگین توسط مهره‌های ددمنشی به نام قاضی در دادگاه‌های فرمایشی، دست از سر زندانیان سیاسی برنمی دارند. آنان مبارزینی تسلیم ناپذیر مانند حردانی از اهواز، ارژنگ داودی از تهران، شاهرخ زمانی از آذربایجان و ناصر یوسفی از کردستان را با تهدید و پرونده سازی و انداختن به بدترین سلول‌های انفرادی، مورد آزار و اذیت قرار می دهند. خالد (حردانی) چندین بار حکم سفارشی این اداره را گرفته است. وی در روز ۱۳ خرداد ساعت ۱۴ عصر توسط اداره اطلاعات به بند سپاه فرا خوانده شد و تهدید به دادن حکم اعدام و حذف فیزیکی شد. به علت ماهیت جنایتکارانه این اداره که کشتن علیرضا کرمی خیر آبادی و علی شهبازی در ۲ ماه اخیر رادر سابقه خود دارد.

ما از تمامی نهادهای حقوق بشری و مردم آزادی‌خواه جهان می‌خواهیم جمهوری اسلامی را به صورت عملی مورد محکومیت قرار دهند و از کارگران و زحمتکشان می‌خواهیم علیه اعدام و شکنجه برای آزادی زندانیان سیاسی بپا خیزند.

4-گزارش جلسه عمومی بند ۱۲ سیاسی زندان رجایی شهر:
روز ۱۵ خرداد شب ساعت ۹، مجمع عمومی به درخواست عده‌ای از اعضا و جهت رسیدگی به مسئله فروشگاه، مسئله حسینیه و مسئله پابند و لباس اجباری تشکیل شد. حمید برهانی ضمن توضیح حساب‌ها، به شدت از شورا به جهت ضرب و شصت نامق محمودی توسط مامور مهدی مختاری فر به دستور مردانی و عدم دفاع شورا از وی انتقاد کرد. در مورد پابند و لباس اجباری، اکثریت نزدیک به مطلق زندانیان اتفاق نظر داشتند که همگی باید به هر قیمتی با پوشیدن لباس اجباری مخالفت کرده و از پوشیدن آن خودداری کنند. ناصر یوسفی نیز گفت که علی رغم داشتن عمل ضروری، ولی در احترام به نظر جمع از رفتن به بیمارستان خودداری نموده است تا مجبور به پوشیدن لباس اجباری نشود و در ملاقات حضوری با مردانی(رئیس زندان)، مردانی به وی گفته است که پابند را شما ننزید، کی بزند؟ لباس اجباری را شما نپوشید، کی بیپوشد؟ این جا هم اصلاح‌طلبان حکومتی به داد مردانی رئیس زندان رسیدند. زیدآبادی و مسعود باستانی به حمایت از قانونی بودن اقدام زندانبانان، این مسئله را شخصی تلقی کردند. زیدآبادی تاکید کرد که مقامات در رابطه با پابند و لباس اجباری تا حالا هر چه فرمان داده‌اند، وی تن داده است. مسئله حسینیه از ۶ ماه قبل از آن جا شروع شد که به علت فضای تنگ و نمودر در سلول‌های انفرادی که فقط ۳ نفر در این سلول‌های انفرادی زندگی می کنند، زندانیان خواستند که این قسمت به نام حسینیه در آخر بند ۱۲، به این بند اضافه و ضمیمه بشود که با اعتصاب غذای یک روزه در آن زمان، یعنی ۶ ماه قبل، مدیریت زندان بلافاصله عقب‌نشینی کرد و قول داد آن را در عرض ۲ ماه عملی کند، ولی

به علت مامشات و سازش کاری اعضای شورا، مخصوصا لیبرال‌های وطنی در آن وعده کوتاهی کرده و با وعده سرخرمن ۶ تن از شورا را فریب دادند. اکثریت زندانیان از مامشات و سازش کاری شورا انتقاد کرده و یکی از دوستان تاکید کرد اگر با وعده و وعید است، این ها ۴ سال است که قول داده‌اند که تلفن بدهند ولی تا حالا خبری نشده است. همه به این نتیجه رسیدند که اگر مسئولین زندان به شورا جواب رد بدهند و امروز و فردا نکنند، ۲۰ تا ۳۰ نفر دسته جمعی به بالا پیش مسئولین رفته و قاطعانه با آن ها برخورد کنند. در مقابل این پیشنهاد واحد (قاطع)، اصلاح‌طلبان حکومتی بر سیاست مامشات تاکید کردند. آقای زیدآبادی در مقابل سیاست واحد جمعی زندانیان فرمودند هر چه به ما می گوئید، بگوئید، ما اصلاح‌طلب هستیم. اگر ۹۹،۹ درصد از رژیم فاسد و سرکوبگر باشند، باز هم ما طرفدار اصلاح رژیم هستیم. خالد حردانی ضمن حمله شدید به سازشکاری اصلاح‌طلبان، همچنان تاکید کرد که بدون مبارزه و اتحاد کاری از پیش نخواهیم برد و همه را به اتحاد و همکاری دعوت کرد. رسول بداغی، از کانون صنفی معلمان نیز ضمن حمله شدید به اصلاح‌طلبان گفت، من طرفدار برخورد انقلابی و قاطع مثل موسوی و کروبی هستم.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

1392/3/30

پیش به سوی اتحاد بیشتر برای فشار بیشتر

پیش به سوی اعتراضات گسترده‌تر با شعار

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

www.chzamani.blogspot.com

freeshahrookh@gmail.com